



A Comparative Study of the Obligation Arising from Unilateral Will in Iranian and French Law

Received: 16/08/2020; Accepted: 14/11/2021

Ghasem Firouzifar¹

Mohammad Sadeghi²

Seyed Mehdi Mirdadashi³

Abstract

The role of will in the creation of obligations and the determination of their boundaries and effects is evident for all. Traditionally, it has been debated whether the concordance of wills does lead to the creation of obligations? In other words, are two persons need primarily to create an obligation or a single will can create an obligation against him/herself? This question arises for this fact that obligation was understood as the legal relationship between two persons. The advocates of the classical theory have always criticized the theory of unilateral will as the source of obligation; the criticisms which are often answered by the advocates of the mentioned view. In its recent amendments and in particular Article 1-1100 of the French Civil Code, the French Legislature has recognized legal acts arising from unilateral will. There are disagreements in the Law of Iran; some have completely rejected this view and others have accepted it. As regards the nature of this obligation, some consider it as a directive unilateral act and others, invoking the theory of exhaustivity of contracts and unilateral acts, maintain that this view can be accepted as a general theory. This study is conducted through a descriptive-analytic method and aims at examining the creative power of unilateral act as the source of obligation in law of Iran and the French law.

Key words: Unilateral Will, Obligation, Unilateral Act, French Law.

- 1 Ph. D. Candidate in Private Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Qom Branch.
- 2 Assistant Professor, Department of Law, Hazrat-e Masoumeh University (Corresponding Author); Email: msadeghi4817@yahoo.com
- 3 Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Qom Branch.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی تطبیقی تعهد ناشی از اراده یک جانبه در حقوق ایران و فرانسه

قاسم فیروزی فر^۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۵/۲۶ - تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۸/۲۳ محمد صادقی^۲

سید مهدی میرداداشی^۳

چکیده

نقش اراده در تکوین تعهدات و تعیین حدود و آثار آن بر کسی پوشیده نیست. از دیرباز همواره این بحث مطرح بوده است که آیا توافق اراده‌ها به ایجاد تعهدات منجر می‌شود یا خیر. به عبارت دیگر، آیا برای ایجاد تعهد در ابتدا وجود دو شخص نیاز است یا یک اراده به تنهایی قادر به ایجاد تعهد علیه خویش است. منشأ این پرسش به آنجا برمی‌گردد که تعهد به ارتباط حقوقی بین دو شخص تعبیر می‌شد. پیروان نظریه کلاسیک همواره انتقاداتی را نسبت به نظریه اراده یک‌جانبه مولد تعهدات مطرح می‌کردند که عموماً این ایرادات از سوی پیروان دیدگاه یادشده پاسخ داده شد. در نهایت، قانونگذار فرانسه در اصلاحات اخیر و در ماده (۱-۱۱۰۰) اعمال حقوقی ناشی از اراده یک‌جانبه را مورد پذیرش قرار داده است. در حقوق کشور ما نیز این اختلاف دیدگاه‌ها وجود دارد، به نحوی که برخی در کل با این دیدگاه مخالف و برخی دیگر آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند. در باب ماهیت این تعهد، بعضی آن را نوعی ایقاع عهده می‌دانند و گروهی با استناد به نظریه حصری بودن عقود و ایقاعات، معتقدند این دیدگاه به عنوان یک نظریه عام قابل پذیرش است. در نهایت، این پژوهش به شیوه تحلیلی و توصیفی و با هدف بررسی قدرت خلاق اراده یک‌جانبه به عنوان منبع تعهد در حقوق ایران و فرانسه پایه‌ریزی شده است.

واژگان کلیدی: اراده یک‌جانبه، تعهد، ایقاع، حقوق فرانسه.

۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم.

۲ استادیار گروه حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س) (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

msadeghi4817@yahoo.com

۳ استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم.





مقدمه

گرایش انسان به زندگی اجتماعی و ارتباطات گسترده میان افراد به ایجاد تعهدات انبوهی منجر شده که همواره او را احاطه کرده است. این تعهدات از منابع متنوعی همچون اعمال حقوقی، وقایع حقوقی و قانون نشئت می‌گیرند. در خصوص اعمال حقوقی عموماً این پرسش مطرح بوده که آیا تعهدات محصول توافق اراده‌ها است یا آنکه یک اراده نیز می‌تواند به صورت یک‌جانبه به ایجاد تعهدات الزام‌آور علیه خویش منجر گردد. در واقع، تعهد یک‌جانبه برگرفته از مفهوم عام تعهدات بوده و به معنی اعلام اراده یک‌جانبه به‌منظور ایجاد تعهد علیه خویش است که از نظر محتوایی رژیم حقوقی خاصی بر آن حاکم است؛ حتی قرارداد که از توافق اراده‌ها نشئت می‌گیرد. در واقع، چیزی جز اراده یک‌جانبه طرفین نیست که با یکدیگر پیوند خورده، عقد را تشکیل می‌دهد. بنابراین، اراده خلاق و مؤثر می‌تواند موجد تعهد و آثار حقوقی باشد. آن‌چنان که قانون مدنی فرانسه در اصلاحات اخیر خود به‌خصوص ماده (۱-۱۱۰۰)، اراده یک‌جانبه را به‌عنوان یکی از منابع تعهدات مورد شناسایی خویش قرار داده است. در حقوق ایران با وجود اختلاف دیدگاه‌های فراوان به‌نظر می‌رسد نقش اراده یک‌جانبه در ایجاد تعهد غیرقابل انکار باشد.

این پژوهش با هدف تجزیه و تحلیل قدرت و توانایی اراده یک‌جانبه در ایجاد تعهدات قضایی پایه‌ریزی شده که در میان اعمال حقوقی کمتر به‌عنوان یک قدرت ایجادکننده تعهدات مورد شناسایی قرار گرفته است. به‌خصوص زمانی که چنین اراده‌ای به صورت منحصر مطرح می‌شود، این پرسش اساسی را طرح می‌نماید که آیا می‌توان جایگاهی در حد ایجاد تعهدات برای اراده یک‌جانبه قائل شد یا خیر. البته این پرسش، تنها در حیطه اعمال حقوقی قابل طرح است، چراکه در مورد وقایع حقوقی هیچ تردیدی وجود ندارد که یک شخص فقط به‌واسطه عمل خویش مسئول می‌شود. در این زمینه تمرکز اساسی بر





روی محدوده قدرت اراده یک‌جانبه است که آیا چنین اراده‌ای می‌تواند به‌عنوان یک منبع تعهدات، به‌طور مستقل جایگاهی داشته باشد یا خیر.

۱. قدرت مولد اراده در ایجاد تعهدات یک‌جانبه

اراده انسان را می‌توان از عناصر مهم یک عمل حقوقی دانست و عمل حقوقی در هر معنایی مخلوق اراده است. بر مبنای بررسی تاریخی که از سوی مارتین دلموت انجام گرفت، تئوری اراده یک‌جانبه در نیمه دوم قرن نوزدهم از سوی حقوق‌دانان آلمانی و اتریشی بیان شده است (De la Moutte et Raynaud, 1951: 276). آنان معتقد بودند که یک اراده می‌تواند فاعل خویش را در وضعیتی قرار دهد که تعهداتی را به‌وجود آورد و در این زمینه توافق اراده‌ها و قانون به‌عنوان منبع در نظر گرفته نمی‌شود. همچنین قبول شخص طلبکار یا متعهدله اراده یک‌جانبه شرط ضروری نیست، زیرا تعهد یک‌جانبه عبارت است از اعلام اراده یک‌جانبه در جهت ایجاد تعهد علیه متعهد.

موضع نظام‌های حقوقی نسبت به نظریه اراده خلاق در ایجاد تعهدات متفاوت است. برخی از کشورها همچون آلمان صرفاً به جنبه خارجی بودن اراده (اراده ظاهری) توجه می‌کنند، درحالی که در حقوق فرانسه و حقوق ایران باطنی بودن اراده از سوی قانونگذار و دکتترین بیشتر مورد پذیرش واقع شده است؛ چراکه از نظر ماهیتی، حقوق فرانسه و حقوق کشورمان به مبانی حقوق موضوعه همچون حقوق طبیعی متصل‌اند. بنابراین در صورتی که اراده جنبه بیرونی پیدا نماید و به‌واسطه عللی قابل کشف گردد، می‌توانیم آثار حقوقی را بر آن بار نماییم. البته لازم به ذکر است که تولید یک تعهد همواره وابسته به وجود معیارها و قواعدی از پیش تعیین‌شده است؛ یا بایستی چنین اراده‌ای در قالب یک معیار - که حقوق موضوعه شرایط آن را تعیین کرده - به‌واسطه اعلام اراده، ظهور و بروز نماید و شخص به آن متعهد گردد، یا در عرصه حقوق طبیعی^۱ قابل تعریف باشد و در اثر اعمال اراده نوعی



۱ رومیان حقوق را به سه گروه تقسیم می‌کردند: دسته اول، حقوق مخصوص رومیان اصیل که عنوان امروزی آن همان حقوق موضوعه است و کلیه حقوق و تعهدات آنها نسبت به یکدیگر و در برابر دولت را تبیین می‌کند.



تحويل و تحول از نظم حقوق طبیعی به حقوق موضوعه صورت پذیرد و در نتیجه، قدرت الزام آور پیدا نماید. با پذیرش اصل قدرت انتقالی اراده یک جانبه عموماً این دیدگاه تقویت می شود که چنین اراده ای توان به وجود آوردن تعهدات را دارد. همان گونه که یک اراده می تواند حقوقی را انتقال دهد، قادر است تعهداتی را به نفع اشخاص ثالث ایجاد کند و تعهدی را علیه خویش به وجود آورد. در اینجا مقصود از تعهد، ایجاد دین علیه خویش است، چرا که دین نوعی معیار و رفتار شخصی است؛ در حالی که طلب به عنوان نوعی حق شخصی از جانب طلبکار بر عهده مدیون در نظر گرفته می شود و تجزیه و تحلیل تعهد ما را به این نکته می رساند که یک تعهد از معیار و رفتار شخصی که در قالب حقوق عینی ترکیب شده تشکیل یافته است که به موجب آن، مدیون ملزم می گردد تعهدی را نسبت به طرف مقابل انجام دهد. در عین حال، جنبه شخصی تعهد نیز به نوبه خود بیانگر این اصل است که برخی از اعمال حقوقی می توانند به نحو یک جانبه به وجود آمده، فی نفسه روابط دوجانبه حقوقی را تحت تأثیر خویش قرار دهند (Rieg, 1958: 448). در واقع، ما نمی توانیم با اراده خویش دیگران را مدیون سازیم، لیکن می توانیم با اراده مستقل خویش تعهداتی را بپذیریم (Atias, 2013: 220). بنابراین اراده در ایجاد تعهدات، به خصوص در زمینه تعهدات یک جانبه، همواره به عنوان یک عنصر اساسی در نظر گرفته می شود. که در جهت ایجاد تعهد می بایست از یک اعلام نشئت گرفته، جنبه درونی آن به بیرونی تبدیل شود.

حقوق کشورهای اروپایی همچون حقوق آلمان متأثر از چنین دیدگاهی بوده و اعلام اراده را در شکل کلی آن به عنوان منبعی از تعهدات در نظر گرفته اند. لیکن دیدگاه فرانسوی در برابر دیدگاه آلمان نگرش متفاوتی را در پیش گرفته است. در این دیدگاه،

دسته دوم، حقوق بردگان است که قسمت محدودی از حقوق و گستره ای از تعهدات را برای آنان تعریف می کنند و در نهایت با توجه به اینکه رومیان برای خود یک امپراتوری در عالم فرض می کردند یک سری قوانین نیز را برای تمامی عالم در نظر داشتند. اکثر نویسندگان حقوقی، گروه دوم و سوم را در قالب حقوق طبیعی که گاه از آن به عنوان حقوق بشر نیز یاد می شود، قرار می دهند.





تأکید اساسی بر آن است که اراده قانون خاص خویش را ایجاد می‌نماید، Terré et Weill, (1986: 565) همان‌گونه که ماده (۱۰) قانون مدنی ایران در مقام بیان چنین اصلی است.

در تعهدات یک‌جانبه، محاکم همواره ضرورت وجود اراده و همچنین ارتباط بین فلسفه وجودی آن و آثاری را که می‌تواند داشته باشد مورد بررسی قرار می‌دهند. شدت اراده در تعهدات یک‌جانبه از لحاظ درجه به نحو حداکثر است و هرآن چیزی که خارج از اراده و یا برخلاف آن باشد، نمی‌تواند در عالم حقوق به وجود آید. به این معنا و مفهوم که متعهد تنها ملزم به امر یا کاری می‌شود به جهت آنکه موضوع را اراده نموده است، چه از لحاظ کمیت، کیفیت و به‌طور خاص مدت زمانی که یک تعهد می‌تواند حیات حقوقی داشته باشد (Rieg, 1958: 429). در این زمینه میان اراده یک‌جانبه با قرارداد در مبحث شناسایی محدوده و آثار آن تفاوت عمده‌ای وجود دارد. در صورتی که قراردادی منعقد شود و در زمینه تعهدات طرفین، الزامات مرتبط با آن و مسائل دیگر ابهامی باشد، دادگاه با مراجعه به قرارداد، عرف و قانون در مقام تفسیر برمی‌آید، لیکن در باب اراده یک‌جانبه چنین امکان گسترده‌ای وجود ندارد و اگر اعلام اراده واضح و مشخص نباشد، نمی‌تواند موجد آثار حقوقی باشد. لذا تنها در صورتی که اراده در مقام اعلام، دربردارنده کلیه عناصر و جزئیات خویش باشد، می‌تواند قدرت الزام‌آور خویش را نیز تولید نماید؛ بنابراین در این زمینه تفسیر محدود است.

۲. موضع حقوق فرانسه

قانون ناپلئون ۱۸۸۴ فرانسه در مبحث مالکیت، قرارداد را به‌عنوان یکی از روش‌های ایجاد مالکیت تعریف و تعهدات ارادی یا اختیاری را تنها به‌عنوان تأثیر متفاوت مفهوم واحد قرارداد یا موافقت‌نامه معرفی می‌نماید. مشخص نبودن مفهوم تعهد در حقوق موضوعه، دکترین مدرن را در وضعیت ابهام قرار داده است. تعریفی که قانون مدنی فرانسه در ماده (۱۱۰۱) خود ارائه داده از مفاهیمی اقتباس شده است که در قانون رم در کتاب ژوستینین تشریح گشته و ماهیت قراردادی و شبه جرم به‌عنوان منبع تعریف شده است (Carbonnier, 1998: 119). بر مبنای نظر حقوق‌دان مشهور فرانسوی، پوتیه





(Pothier, 1777: 5)، قانون مدنی قرارداد را با مفهوم تعهد یکی می‌داند. چنانچه در برخی مواقع تعهد را به‌عنوان قرارداد تعریف نموده، از تعهد قراردادی یا تعهدات معاهده‌ای (کنوانسیون) صحبت می‌کند، بدون اینکه از لحاظ ماهیتی بین این دو تفکیک و تمایزی قائل شود. اینکه ما صرفاً قرارداد را به‌عنوان منبع تعهدات ارادی تعریف نماییم متأثر از تئوری تعهدات اولیه است؛ یعنی تعهداتی که از اراده یک شخص ناشی می‌شود به تعهدات شخص مقابل متصل و بین دو تعهد ارتباطی به‌وجود می‌آید که فی‌نفسه حقوق موضوعه را تشکیل می‌دهد. همچنین پوتیه تأکید می‌کند برای ایجاد تعهدات، ضروری است تا نوعی توافق اراده وجود داشته باشد و هریک از طرفین تعهداتی در برابر یکدیگر به‌عهده گیرند. نظریات این حقوق‌دان مشهور از باب آزادی اراده در ایجاد تعهدات بیانگر آن است که اراده یک شخص دارای استقلال و قادر به تولید آثار حقوقی است، لیکن این اراده در جایی متوقف می‌شود که اراده طرف دیگر آثار خویش را تولید می‌نماید و بر اساس این مفهوم است که نوعی توازن و هماهنگی بین اراده‌ها ایجاد می‌شود و مفهوم توافق اراده‌ها را به‌وجود می‌آورد (Pothier, 1777: 5).

بنابراین حقوق قدیم فرانسه تعهدات یک‌جانبه را به‌عنوان منبع تعهد مورد شناسایی قرار نداده بود و عمل اراده یک‌جانبه فی‌نفسه خیلی محدود در حقوق فرانسه ظهور و بروز داشت و این‌گونه نبود که اراده یک‌جانبه توانایی تولید آثار حقوقی را داشته باشد. طرف‌داران تئوری کلاسیک و وفاداران اصول اولیه علم حقوق همواره موضعی بسته نسبت به پذیرش مفاهیم نوین حقوقی داشته‌اند و تئوری اراده یک‌جانبه نیز از این امر مستثنی نبوده است. لذا انتقادات زیادی نسبت به آن مطرح گردید که البته موافقان این نظریه به آن پاسخ داده‌اند و مهم‌ترین این موارد به شرح زیر است:

۱-۲. نظریه اراده یک‌جانبه دارای پیشینه حقوقی نیست

بسیاری از نویسندگان به علت آنکه نمی‌توانند ردپایی از آن در سیستم حقوقی قضایی قدیم پیدا کنند، تئوری تعهدات یک‌جانبه را رد می‌نمایند. حقیقت امر این است که ماده (۱۳۷۰) قانون مدنی فرانسه فهرستی از منابع تعهدات را بیان می‌دارد، لیکن در خصوص تعهدات ناشی از اراده یک‌جانبه سکوت کرده است. از باب استناد به قانون مدنی فرانسه نیز





ماده (۹۳۹) بیان می‌دارد هبه مؤثر نخواهد بود تا زمانی که طرف مقابل ایجاب را قبول نماید. این امر مؤید آن است که اصولاً موضوع تعهد صرفاً یک قول ساده نیست و اساساً در جهت انعقاد قرارداد باید هبه‌شونده قبولی خود را اعلام دارد. لذا اراده یک‌جانبه نمی‌تواند به یک تعهد حیات بخشد. بنابراین، سکوت قانون‌گذار می‌تواند به منزله عدم پذیرش این تئوری باشد (Chabas, 1931: 338). در پاسخ باید گفت اولاً قائل بودن به اینکه تنها دو اراده توانایی انشای التزام را دارد درست نیست، چراکه قانون در مورد آن ساکت است و این را نمی‌توان به منزله عدم پذیرش تفسیر نمود. ثانیاً هرچند در حقوق رم در جهت تأیید این دیدگاه مطلبی وجود ندارد، لیکن مفهوم اصطلاحی تعهد نسبت به آنچه که در گذشته وجود داشته دچار تغییر و تحولات گسترده شده است. چگونه ما انتظار داریم که تحولات نوین حقوقی با نظام حقوقی قدیم قابل انطباق باشد؟ حقیقت این است که ماده (۱۳۷۰) قانون قدیم فرانسه نمی‌تواند منبع موثقی جهت ردّ این نظریه باشد، چراکه این ماده ناشی از قانون‌گذاری سال ۱۸۰۴ است و قانون‌گذار در آن زمان نمی‌توانست منبعی از تعهد را ارائه نماید که هنوز تئوری آن مشخص نشده بود. بنابراین سکوت قانون‌گذار به منزله یک موضع خنثی نسبت به این تئوری است (Atias, 2003: 56).

۲-۲. عدم پذیرش این نظریه از سوی دکترین و رویه قضایی

مخالفان معتقدند بیشتر نظریه‌پردازان حقوقی، نظریه اراده یک‌جانبه را مورد پذیرش قرار نداده‌اند و این تئوری هرگز در عالم واقعیت تعریف نشده است. از دیگر سو، رویه قضایی نیز هیچ‌گونه ارجاعی نسبت به آن ارائه نمی‌دهد (Terré et Weill, 1986: 144). در پاسخ باید گفت، عنوان اکثریت در این زمینه محل مناقشه است و هرگز نمی‌توان بیان داشت که اکثریت حقوق‌دانان با آن مخالف‌اند. بر فرض صحت، این گونه نیست که برای ما حجت و غیرقابل عدول باشد، چراکه حقوق‌دانان جدید در نقض یا تأیید مفاهیم جدید و انطباق آن با واقعیت‌های حال حاضر آزادند. در خصوص بی‌توجهی محاکم و رویه قضایی به این نظریه نیز باید گفت این امر مایه خرسندی نیست که محاکم آن را نفی کرده یا توجهی به آن نمی‌کنند. مضافاً اینکه می‌توان مواردی را یافت که قضات در آرای خود به





آن استناد نموده و دادگاه تجدیدنظر اکسان پروانس^۱ یکی از این موارد است (Ghestin, 2013: 223).

۳-۲. غیرممکن

الیاس^۲، نویسنده فرانسوی، چنین ایرادی را مطرح نموده است که اگر اراده‌ای بتواند به نحو یک‌جانبه شخصی را متعهد نماید، همان اراده این قدرت را دارد، بدون آنکه رضایت طرف مقابل شرط باشد وضعیت را به حالت سابق برگرداند؛ یعنی متعهد را بری از تعهد نموده یا آثار حقوقی ناشی از آن را محدود نماید (Randolphe, 1909: 62). البته این ایراد مربوط به مواردی است که هنوز تعهد یک‌جانبه مورد قبول واقع نشده، زیرا پس از قبولی غیرقابل بازگشت است. در این خصوص باید گفت اینکه شخصی فقط به واسطه اراده خود می‌تواند متعهد شود به آن معنا نیست که وی بتواند صرفاً بر مبنای اراده خویش، خود را از تعهد بری سازد. آزادی اراده ایجاب می‌نماید هر شخصی بر مبنای اراده یک‌جانبه خویش تعهدی را برعهده بگیرد و اصول همان آزادی اراده بر پابندی افراد به بیان خویش تأکید دارد (Marty et Raynaud, 1988: 360). آبر^۳ نویسنده مشهور فرانسوی نیز بیان می‌دارد: «آزادی اراده مستلزم شناخته‌شدن برای هر کسی در جهت آن است که متعهد شود یا خیر، و صحبت از متصل شدن اراده موجود با اراده دیگری یا عدم اتصال آن به اراده دیگری به نحو دوجانبه نیست» (Chabas, 1931: 146). بنابراین، بحث ایجاد تعهد یا انحلال آن دو مطلب کاملاً مجزا است و این دو باهم ملازمه‌ای ندارند؛ یعنی اراده‌ای که می‌تواند به نحو یک‌جانبه تعهد ایجاد کند مستلزم آن نیست که بتواند به صورت یک‌جانبه همان تعهد را از بین ببرد، زیرا ممکن است بر مبنای دیگری همچون نظم عمومی یا حیات اجتماعی این قدرت از آن سلب شود.

فصلنامه پژوهش حقوق اساسی و غرب مطالعاتی - سال نهم - شماره دوم - تابستان ۱۴۰۱



1 Aix-en-Provence

2 Elias

3 Aubert

۴-۲. غیرمنطقی بودن نظریه

از آنجا که از دیرباز تعهد به معنای ارتباط حقوقی بین دو شخص تعریف شده است، در این دیدگاه «تعهد یک‌جانبه نمی‌تواند وجود داشته باشد، زیرا می‌بایست تعهدی به وجود آید بدون آنکه طلبکاری وجود داشته باشد» (Dreifuss-Netter, 1985: 14). بنابراین، تئوری تعهد یک‌جانبه غیرمنطقی است و اراده نمی‌تواند به نحوی مبهم وضعیت خاصی را ایجاد کند که فی‌نفسه یک شخص متعهد شود، زیرا طلبکار به معنی واقعی کلمه در آن وجود ندارد. (De la Moutte et Raynaud, 1951: 280). در پاسخ باید گفت که قرارداد همواره مبتنی بر اراده طرفین نیست، بلکه منابع دیگری در کنار اراده در زمینه خلق تعهدات، مشارکت دارند و از نظر شکل‌گیری قرارداد، اراده طرفین منبع مستقل تعهدات در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به عنوان شرطی ضروری در جهت تحقق قواعد و مقرراتی است که در عالم خارج وضع شده‌اند. طرفین قراردادی با اعلام خود قواعد حقوق موضوعه را می‌پذیرند و آنها را در قرارداد اعمال می‌کنند» (Ghestin, Others, 2013: 36). برای مثال قانون‌گذار درج برخی شروط نظیر مواردی را که مربوط به حقوق مصرف‌کننده است، در قراردادها منع کرده است. با وجود پذیرش اصل نسبی بودن قراردادها باید عنوان داشت که قرارداد هرگز از دنیای اطراف خود مجزا نیست، بلکه یک وضعیت عینی را به وجود می‌آورد که نسبت به دیگران قابل استناد است. برای نمونه اگر یک تولیدکننده وسیله‌ای را که در آن عیب پنهانی وجود دارد بفروشد، مسئولیت وی تنها در خصوص طرف قراردادش نیست، بلکه نسبت به تمام کسانی است که موضوع معامله به آنها منتقل شده، دارای مسئولیت است. بنابراین این گونه نیست که همواره تعهدات ناشی از توافق دو اراده باشد و اراده منبع مستقل تعهدات در نظر گرفته شود؛ به خصوص در زمان حاضر تعهداتی مطرح می‌شود که خارج از حیطه اراده طرفین است. افزون بر این، اصولاً پذیرفتن توافق دو اراده به شکل کامل امری دشوار است، زیرا حتی آنجا که عقدی تشکیل می‌شود ناشی از اراده یک‌جانبه اشخاص است و ایجاب که نوعی دعوت به معامله است فی‌نفسه دارای تعهد یک‌جانبه در بطن خویش است. لذا سزاوار است حقیقت را آن گونه که هست ببینیم، به این معنا که «ملتزم به عقد تنها به اراده خود ملزم می‌شود نه با توافق دو اراده، یعنی





اراده او با دائن» (السنهوری، ۱۹۵۲: ۹۰۵). از سویی دیگر، استدلال مربوط به نبود طلبکار بسیار کلی است و در اغلب موارد شخصی که از آن به عنوان ذی نفع تعهد یاد می شود عموماً به وسیله متعهد در زمان ایجاد تعهد، تعیین می شود. افزون بر این، «در عالم حقوق می توان فرضیه ای را در نظر گرفت که بر اساس آن، شخص در برابر دیگری تعهدی را برعهده می گیرد که ذی نفع تعهد هنوز معین نشده است، مانند ایجاد حق برای شخصی که هنوز به دنیا نیامده، ولی نطفه وی منعقد شده است. در چنین وضعیتی هر چند طرف مقابل سریعاً قابل تعیین نیست، لیکن امتیازات تعیین شده با حیاتش به وی تعلق می گیرد» (Marty et Raynaud, 1988: 25).

۵-۲. ترجیح اراده یکی بر دیگری

برخی گفته اند تعهد یک جانبه به این معناست که تعهد صرفاً به وسیله اراده بدهکار ایجاد گردد و تا زمانی که طلبکار قبولی خویش را اعلام نکرده است چنین تعهدی نمی تواند واجد آثار حقوقی باشد (Flour, Others, 2009: 69). در واقع، این گروه معتقدند پذیرش تئوری تعهد یک جانبه مستلزم این است که شخصی بدون اراده خویش الزاماً طلبکار شود و این امر مستلزم ولایتی نسبت به دیگری، حداقل در حد وادار کردن متعهدله به واکنش نسبت به تعهد ایجاد شده است. در پاسخ باید گفت مبتنی گردانیدن تأثیر تعهد به قبولی طلبکار دلالت می کند بر اینکه ما قدرت خلاق اراده یک جانبه را انکار نماییم. دیدگاه نویسندگانی که بر ضرورت قبولی تأکید می کنند به نظریه کلاسیک نزدیک تر است و این امر سبب ایجاد یک تعارض می شود که نتیجه ای دربر نخواهد داشت و تنها وسیله ای برای تلطیف تفاوت موجود بین تعهد یک جانبه و قرارداد است. در واقع، «قرارداد تنها در زمان قبولی مخاطب ایجاب، تعهد را ایجاد می نماید، حال آنکه تعهد یک جانبه از زمان اعلام اراده حیات خویش را حفظ می کند. اگر پیشنهاد اعلام کننده مورد قبول واقع شود این موضوع می تواند بیانگر آن باشد که تعهد اساسی به وجود آمده است» (Carbonnier, 1998: 84). بنابراین هیچ امر ناخواسته ای بر طلبکار تحمیل نمی شود. تنها تعهدی ایجاد می شود و متعهدله الزامی در پذیرش یا رد آن ندارد. لذا این امر را نمی توان مستلزم داشتن ولایت بر کسی تعبیر کرد. همچنین در صورتی که اعتقاد داشته باشیم یک





طرف بدون قبول طرف مقابل نمی‌تواند برای خود ایجاد تعهد نماید، مصادره به مطلوب است، زیرا بحث در این است که آیا تعهد می‌تواند بدون قصد متعهدله و به صرف قصد متعهد ایجاد گردد یا خیر.

۶-۲. تعهدات یک‌جانبه قدرت الزام‌آور ندارند

برخی حقوق‌دانان، به‌خصوص پیروان مکتب کلاسیک، بر این عقیده‌اند که در شناسایی عناصر تشکیل‌دهنده یک تعهد باید قدرت الزام‌آور وجود داشته باشد و این الزام‌آوری تعهدات است که عالم حقوق را از اخلاق جدا می‌کند (Chantepie et Latina, 2016: 25). از سوی دیگر، ایراد شده است که در تعهدات یک‌جانبه هیچ‌گونه عوضی متصور نیست، چراکه وجود عوض بهترین ضمانت تعادل قراردادی است، زیرا در قراردادهای معوض، عوض تعهد هریک از طرفین زمینه‌ساز اجرای تعهدات طرف مقابل است (Todorova, 2007: 103). ژاک فلور (Flour, 1955: 825) و نیز خانم گوبر (Gobert, 1957: 151) در رساله‌های دکتری خویش تأکید کرده‌اند که اعلام اراده یک‌جانبه که بر مبنای آن شخص به انجام تعهداتی در برابر دیگری متعهد می‌شود فی‌نفسه دارای قدرتی الزام‌آور است و ما می‌توانیم بر مبنای آن عمل اراده یک‌جانبه را منبع ایجادکننده تعهدات بدانیم. در واقع، الزام‌آور بودن تعهدات است که عالم حقوق را از عالم اخلاق منفک می‌سازد و در تعهدات یک‌جانبه نیز چنین خصوصیتی نمایان است. شخص با اراده یک‌جانبه تعهدی را برعهده می‌گیرد و قول می‌دهد آن را اجرا کند. در این وضعیت به محض آنکه تعهد برعهده گرفته شود، شخص خود را در برابر دیگری مدیون می‌داند و اراده یک‌جانبه قدرت الزام‌آور را ایجاد می‌نماید. بیش از ۵۰ سال از دیدگاه خانم گوبر گذشت که رویه قضایی توانست نظریه وی را اعمال کند و به‌طور خاص از مفهوم انتقال استفاده نماید (Mathieu-Izorche et Mestre, 1995: 192) که دلالت بر آن دارد زمانی که تعهدات طبیعی پایه و اساس تعهدات اولیه باشد، فرد با برعهده گرفتن آنان و بر اساس اراده یک‌جانبه خویش متعهد می‌شود و در این زمان نوعی تبدیل در ماهیت اتفاق می‌افتد و به‌عنوان نوعی تعهد لازم‌الاجرا قابل شناسایی است و آثار حقوقی خویش را





دارد. در این زمان است که تعهدات طبیعی به عنوان منبع مستقل تعهدات از حالت تابع بودن خارج شده، آثار حقوقی را تولید می نماید.

در نتیجه، هیچ گونه شک و تردیدی مبنی بر اینکه قرارداد منبع اولیه و اصلی ایجاد تعهدات است، وجود ندارد. دو اراده به نحو مستقیم یا غیرمستقیم ملزم به انجام کاری می شوند و در اثر آن، تعهدات قراردادی به وجود می آید. در این زمینه بیان این نکته ضروری است که اراده یک جانبه نیز می تواند به عنوان یکی از منابع تعهد مورد شناسایی قرار گیرد. مارتین دلموت در این خصوص اعلام داشته که «در زمان حاضر وقت آن رسیده است که ما اراده یک جانبه را به عنوان منبعی مرتبط با قرارداد مورد شناسایی قرار دهیم» (De la Moutte et Raynaud, 1951: 295). او و اکثر نویسندگان حقوقی بر این باورند که از نظر مبانی علم حقوق هیچ گونه منافاتی وجود ندارد که ما اراده یک جانبه را به عنوان منبع تعهدات در نظر بگیریم و تحت شرایط و اوضاع و احوال خاصی این دیدگاه قابل پذیرش است. در وهله نخست، تعهدات یک جانبه تنها زمانی وجود خواهند داشت که سایر تکنیک های حقوقی نظیر قرارداد قابلیت اعمال را پیدا نکند (Goldberg, 1913: 56). در وهله دوم، تعهدات یک جانبه ارادی می بایست مقید به شرط تأثیر حقوقی گردد. اثر اجباری تعهدات یک جانبه تنها می بایستی در مواردی پذیرش شوند که ما بتوانیم بر ذمه اعلام کننده اراده یک تعهد مستقیم، سریع و غیرقابل برگشت تحمیل نماییم. در این زمینه منفعت اجتماعی و امنیت قضایی دو معیار اصلی در جهت شناسایی چنین تأثیر حقوقی است (Malaurie, 2012 : 98). در وهله سوم باید عنوان کرد که تعهد یک جانبه مکانیسمی ارادی است و تنها زمانی قابلیت پذیرش دارد که اراده ای مطمئن و آگاه وجود داشته باشد. بر اساس چنین معیاری است که شخص بدون هیچ گونه شک و تردیدی و با اراده صریح خویش متعهد می گردد و در حالت عکس آن، وضعیتی قابل تصور است که ابهام در اراده وجود دارد و تأثیرش به این نحو است که ما نمی توانیم به طور خاص قصد واقعی طرف مقابل را کشف، و آثار حقوقی را بر آن اعمال کنیم. در واقع، زمانی که یک تعهد بر عهده شخصی قرار دارد، قاضی در صورتی نسبت به آن تعهد قدرت الزام آور اعطا





می‌کند که بر اساس نشانه‌های ملموس خارجی این امر را کشف نماید که اراده اعلام شده است (Rebourg, 2001: 1405).

تغییراتی که در قانون مدنی فرانسه در سال ۲۰۱۶ محقق گردید، منجر به آن شد تا از تعریف اولیه قرارداد که در قانون سابق ارائه شده بود عبور کند و آثار تعهد را در تولید، انتقال، تغییر و انحلال تعهد تعریف نماید. بر اساس نظریه جدید، قرارداد در گروه اعمال حقوقی قرار می‌گیرد که در کنار آن گروه‌هایی همچون قانون و وقایع حقوقی در تولید تعهدات مدنی تعریف می‌شوند. در قانون‌گذاری جدید مفهوم اراده یک‌جانبه مغفول نمانده و به‌طور صریح در متون حقوقی به آن اشاره و تأکید شده است که چنین اراده‌ای توانایی ایجاد تعهدات مدنی را دارد. در ماده (۱-۱۱۰۰) بیان شده است که اعمال حقوقی آن دسته از اعلام‌های ارادی هستند که به‌منظور ایجاد آثار حقوقی به‌وجود می‌آیند و می‌توانند به نحو قراردادی و یا یک‌جانبه باشند. در این ماده قانونی ابهامات برطرف می‌شود و ماهیت وجودی و ارزش حقوقی آن مورد پذیرش قانون‌گذار قرار می‌گیرد.

اصلاحات اخیر از منظر پذیرش تعهدات یک‌جانبه محدود به ماده (۱-۱۱۰۰) نمی‌باشد و حذف جهت^۱ تعهد یا علت به عنوان یکی از شروط اساسی صحت قرارداد را می‌توان در همین راستا توجیه نمود چرا که حسب ماده (۱۱۰۸) سابق، وجود جهت تعهد به عنوان یکی از شرایط اساسی صحت معاملات تعیین و در ماده (۱۱۳۱) سابق نیز ذکر شده بود که تعهد بدون علت یا مبتنی بر علت فاسد یا نامشروع هیچگونه اثری ندارد. طبیعتاً وجود این مواد قانونی مانعی بزرگ در پذیرش تعهدات یک‌جانبه بود چرا که تعهدات یک‌جانبه فاقد علت عینی هستند و اصلاح این مواد در راستای پذیرش تعهدات یک‌جانبه بسیار راهگشا بوده است. مطابق ماده (۱۱۰۸) قانون مدنی سابق شروط اساسی عبارت بودند از رضایت، اهلیت، جهت قانونی و مشروع و موضوع معین عقد که در اصلاحات اخیر، جهت ذکر نشده و صرفاً در ماده (۱۱۲۸) قانون جدید سه شرط قبلی قید گشته است (Alleaume and

۱ مقصود از جهت، سبب یا علت انجام تعهد است که همواره ثابت و نامعتبر می‌باشد و در مقابل جهت معامله یا همان انگیزه قرار دارد که همواره متغیر می‌باشد.





(others, 2016: 76). برخی از حقوق دانان نظر بر آن دارند که اصلاحات اخیر نوعی اشتباه بوده است چرا که جهت قرارداد به عنوان یکی از شروط اساسی شکلی دارای اهمیت بسیاری در شکل گیری است (Gaudemet and others, 2004: 496). ولی واقعیت موضوع حکایت از آن دارد که تغییر نظر قانونگذار در راستای هماهنگی با حقوق اروپایی قابل ارزیابی است و در حقیقت این وضعیت نشانه مسامحه قانونگذار نیست بلکه قصد حذف جهت به عنوان یکی از شروط اساسی در انعقاد و صحت قرارداد را داشته است. برای اولین بار فرانسوا ترره در پروژه اصلاح حقوق قراردادهای خویش پیشنهاد داده بود که جهت به عنوان یکی از شروط اساسی حذف گردد. از سوی دیگر برخی از حقوق دانان معتقدند جهت مانعی بوده تا حقوق فرانسه بتواند در ایجاد حقوق قراردادهای اروپایی مشارکت مؤثر را داشته باشد (Mazeaud, 1977: 2675) زیرا جهت نوعی مفهوم مبهم در عرصه حقوق مدنی است و هرچند که رویه قضایی به مرور زمان سعی در آن داشته است تا مفهومی نوین از آن ارائه دهد اما همچنان عنصر غیر مؤثر و گاهی مضر و خطرناک در حقوق قراردادها می باشد. (Augustin et Larroumet, 2005: 40) در توجیه این نظر بیان شده است که اصل آزادی اراده ها، استقلال و استحکام اراده قراردادی در حقوق فرانسه اساس و پایه را تشکیل می دهد و دیگر نیازی به وجود جهت عقد نداریم و علت اشاره به این اصل به این دلیل بوده که اراده فی نفسه می تواند دلیلی در توجیه چرایی بر عهده گرفتن تعهدات عقد باشد و در صورت شرط بودن جهت، موجب می شود که این مقوله از اصل اراده قراردادی فراتر رود چرا که مسئله بررسی و کنترل جهت قرارداد مطرح می شود (Mazeaud et Henri, 1961: 233). در یک نگاه کلی در حقوق فرانسه جهت اصطلاحی مبهم و غیرقابل درک بوده است بر این مبنا در اصلاحیه جدید، دیگر جایگاهی برای آن مشاهده نمی شود یعنی قانونگذار در اصلاحات اخیر وجود جهت را در شمار شرایط اساسی قرارداد ملحوظ ننموده است که این امر خود می تواند دلیلی بر پذیرش تعهدات یکجانبه باشد.

بنابراین از یک سوی با وجود ماده (۱-۱۱۰۰) و شناسایی اعمال حقوقی ناشی از اراده یکجانبه به عنوان منبع تعهد و از سوی دیگر با حذف بند مربوط به جهت به عنوان یکی از





شرایط اساسی صحت معاملات قانونگذار فرانسه سعی در ترسیم راهی روشن جهت شناسایی تعهدات ناشی از اراده یکجانبه دارد.

۳. بررسی ادله مشروعیت تعهدات یکجانبه

پیش از بیان موضع حقوق ایران ابتدا لازم است مشروعیت تعهدات یکجانبه با تأکید بر آرای فقها مورد بررسی قرار گیرد. برای دستیابی به این مقصود از ادله تعهدات به طور عام بهره برده می‌شود، زیرا نمی‌توان آنها را مختص عقود دانست و به نظر می‌رسد چنانچه تعهدات یکجانبه شرایط اساسی صحت معاملات را دارا باشد، می‌تواند موجد تعهد گردد.

۱-۳. آیات قرآن و روایات

وفای به عهد و پیمان از عالی‌ترین فضایل اخلاقی محسوب می‌شود که قرآن کریم در آیات متعددی بر آن تأکید نموده است. یکی از آیات در باب لزوم پابندی به عهد و پیمان، آیه (۱) سوره شریفه مائده است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»، اما در خصوص مضمون این آیه، برخی از فقها معتقدند که عقد به پیمان‌هایی گفته می‌شود که استحکام دارند، نه هر عقد و پیمانی، لذا مفهومی محدودتر از عهد دارد. بنابراین، شمول آیه یادشده به همه عقود را جای تردید دانسته و معتقدند حکم مربوط به وفای به عقد تنها ناظر به پیمان‌های معهود در زمان صدور آن بوده است و نفوذ عقد جدید مجاز نیست (نجفی، ۱۹۸۱: ۲۱۲). در پاسخ گفته شد «هیچ دلیلی بر حصر معاملات به عقود مذکور در روایات و کتاب‌های فقهی وجود ندارد، چراکه معاملات در اسلام امضایی هستند و حقیقت شرعی و مشروعانه ندارند، بلکه صرفاً حقایق عرفیه‌ای محسوب می‌شود که اگر مخالف با عهدیات ناهیه نباشد مورد تأیید قانون‌گذار اسلام قرار گرفته است» (انصاری، ۱۴۱۵: ۲۲۸). افزون بر این، بسیاری از فقها بر اساس ظاهر «اوفوا بالعقود» عمل بر مقتضای عقد را تا زمانی که باقی است واجب دانسته‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۵۹). علاوه بر آن، صحت و لزوم معاملات احتیاج به دلیل ندارد و آنچه محتاج دلیل است، فساد است. بنابراین، چنانچه در یک مورد شک در وجوب یا عدم وجوب وفا پیدا شود با اجرای اصالة‌العموم حکم به دخول فرد مشکوک در تحت حکم عام می‌شود، زیرا به نظر فقیهان «اوفوا بالعقود»





افراد عام را شامل است، خواه فرعش در عصر رسول باشد خواه نباشد (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۷: ۴۳). لذا با توجه به معنای کلمات وفا و عقد در این آیه شریفه و جمع همراه با الف و لام و نبودن قرینه لفظی به انصراف عموم آیه به عهود و عقود خاص، کشف می‌گردد که این آیه تمامی پیمان‌ها را که مردم برای ایجاد آثار حقوقی موردنظر خود منعقد می‌کنند شامل می‌شود.

افزون بر این، روایات فراوانی از شیعه و سنی در باب لازم‌الوفا بودن شروط با مفهوم المسلمون یا المؤمنون عند شروطهم ذکر شده است. از آنجا که المسلمون یا المؤمنون جمع و الف و لام در آنها الف و لام جنس می‌باشد، لذا بر عمومیت دلالت دارد به گونه‌ای که می‌توان الف و لام را برداشت و به جای آن از لفظ کل مؤمن استفاده کرد و مهم‌ترین دلیل این امر تبادر است (سبحانی، ۱۴۱۹: ۴۶۲). کلمه «عند» ظرف است و معنای آن ثبات و استقرار و پایبند بودن به التزام است و کلمه «شروطهم» با توجه به اینکه جمع مضاف است، افاده عموم می‌کند. واژه شرط در بیشتر کتب لغت به الزام و التزام امری در ضمن بیع و مانند آن تعریف شده است (ابن منظور، ۱۴۰۴: ۳۲۹). اگر ما این دیدگاه را بپذیریم و شرط را در مفهوم ضمن عقد تعبیر کنیم، امکان اثبات تعهدات یک‌جانبه بر این اساس وجود نخواهد داشت. ولی چنانچه شرط را در معنای مطلق الزام و التزام در نظر بگیریم، می‌توان از آن به عنوان یک قاعده عام در جهت صحت کلیه انشائات به شرط عدم مخالفت با قانون و شرع استنباط نمود (طباطبائی یزدی، ۱۴۰۲: ۱۰۶)؛ اعم از اینکه از سوی یک نفر صورت پذیرد یا طرفینی باشد. علاوه بر این، واژه شروطهم با توجه به اینکه جمع مضاف است افاده عام می‌نماید؛ بنابراین تعهدات ناشی از یک اراده مانند دیگر انشائات می‌تواند برای ایجاد یک ماهیت و وضعیت حقوقی موجد التزام برای متعهد انشا گردد.

۲-۳. اصل صحت

منظور از قاعده صحت، حمل کردن قول و عمل افراد یا اعمال حقوقی ایشان به صحت است. پرسش این است که آیا می‌توان اصل صحت را در خصوص تعهدات یک‌جانبه نیز مجری دانست یا خیر. منشأ این پرسش به بحث امکان اجرای اصل صحت در شبهات حکمیه برمی‌گردد. یعنی فرضی که تردید در مشروع یا نامشروع بودن آن می‌رود و حکم





مسئله معلوم نیست. نظر مشهور فقهای امامیه بر این مبنا استوار است که اصل صحت در شبهه حکمیه قابل استناد نیست و حقوق دانان قلمرو اصل صحت را در شبهات مصداقیه مجری می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۶۷). بنابراین اجرای اصل صحت در شبهه حکمیه یعنی فرضی که اصل مشروع بودن مورد تردید است، در صورتی امکان‌پذیر است که نظریه توقیفی^۱ بودن عقود را رد کنیم و به آزادی افراد در انعقاد هرگونه عقود اعتقاد داشته باشیم؛ چرا که در گذشته نیازهای جوامع عموماً یکسان و ثابت بود، لذا تمایلی جهت گرایش به عقود نوظهور وجود نداشت، لیکن امروزه با توجه به مسائل و مشکلات مستحدثه و ایجاد نیازهای نوین، لزوم پرداختن به قراردادهای جدید بیش‌ازپیش احساس می‌شود. لذا آنچه را که افراد جامعه برای رفع نیاز خود به کار می‌برند و آن را عقد می‌نامند، مشمول ادله عامی است که مورد امضای شارع قرار گرفته است؛ خواه در زمان شارع وجود داشته باشد یا خیر. اگر در مشروع بودن یا نبودن تعهدات یک‌جانبه یا هر نوع عقد یا ایقاع جدید تردید پیش آید، می‌توان اصل صحت را در آن مجری دانست و قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه تنها موانع آن هستند.

۳-۳. نفی عسر و حرج

آیات فراوانی در خصوص نفی عسر و حرج در قرآن کریم وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به آیه (۷۸) سوره مبارکه حج یا آیات (۱۸۵) و (۲۸۶) سوره مبارکه بقره و آیه (۶) سوره مبارکه مائده اشاره کرد. معنی و مفهوم این قاعده این است که در اسلام حکمی که موجب عسر و حرج بر مردم باشد وجود ندارد، و هر حکمی که موجب عسر و حرج باشد از نظر شرع منتفی است. منظور از عسر و حرج، مشقتی است که بیش از متعارف باشد؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که «مبنای قاعده نفی عسر و حرج در واقع همان معنای قاعده نفی ضرر است. در هر دو قاعده نفی حکم است یکی نفی حکم ضروری و دیگری

^۱ نظریه حصری یا توقیفی بودن دلالت بر آن دارد که عقود صرفاً شامل آن دسته از مواردی است که در زمان شارع وجود داشته است و در قالب عقود معین تعریف می‌شود. به تعبیر دیگر، عناوین معاملات متوقف بر بیان شارع است و صرفاً توافق‌ها باید در قالب‌های تعیین شده اعلام گردد و نمی‌توان معاملات و عقود مستحدثه را قابل پذیرش دانست.



نفی حکم حرجی» (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۳۲۲). در خصوص تعهدات یک طرفه لازم به ذکر است با توجه به محدود بودن روابط افراد در گذشته اصولاً عقود و تعهدات به شکل کنونی بین مردم رواج نداشته است، لیکن با پیشرفت جوامع و گسترش روابط اقتصادی و تجاری و تعاملات بین مردم و لزوم حل مسائل و مشکلات جدید، گرایش جوامع به اصل آزادی اراده و در پرتو آن شکل گیری عقود و تعهدات نوین بیشتر گردید و در واقع، توجه برخی از مسائل حقوقی به غیر از پذیرش تعهد یک طرفه امکان پذیر نیست و عدم مشروعیت و جواز آن مستلزم حرج افراد در معاملات تجاری و تبادلات اقتصادی خواهد بود.

۴. موضع حقوق ایران

در حقوق ایران هر چند مصادیقی از تعهدات یک جانبه وجود دارد لیکن نمی توان همانند قانون مدنی فرانسه ماده ای را یافت که به صراحت به این بحث اختصاص داده شده باشد. در تعریف آن گفته شده «تعهد یک طرفه تعهدی است که فقط یک اراده انشایی آن را به وجود می آورد و به تعبیر دیگر قصد و رهایی یک طرف آن را به نفع دیگری ایجاد می کند» (امیری قائم مقامی، ۱۳۸۵: ۶۹) بنابراین از آنجا که با یک اراده به وجود می آید ماهیتاً نوعی ایقاع محسوب می شود. البته برخی با این نظر مخالف اند و بیان داشته اند که «تعهد یک طرفه از نظر ماهوی با ایقاع که یک اصطلاح ویژه حقوق اسلامی است فرق دارد زیرا اگرچه هر دو صرفاً با اراده انشایی یک شخص پدید می آید ولی تنها تفاوتی که مشاهده می شود آن است که ایقاع یک نظریه عمومی نیست و فقط آن دسته از نهادهای حقوقی که مورد تصریح شارع قرار گرفته اند همچون طلاق، شفعه، ابراء و فسخ را شامل می شود. در صورتی که تعهد یک طرفه پذیرفته شود یک نظریه عام است و هر تعهدی را که بر اراده یک شخص پدید آید دربر می گیرد» (محقق داماد، ۱۳۸۶: ۵۵).

در فقه امامیه بیشتر فقیهان تعهدات مستقل را در قالب شروط ابتدایی مورد بررسی قرار داده اند. شیخ انصاری در این خصوص بیان داشته «شرط ابتدایی الزاماتی است که ضمن هیچ عقدی ذکر نشده است چه قبل از عقد و چه بعد از عقد و یا اساساً به صورت مستقل





انشاء شده باشد و همچنین تعهدات یک‌جانبه مانند نذر، عهد و وعده نیز از جمله این شروط محسوب می‌شوند» (شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ۵۵). بنابراین، ایشان شرط ابتدایی را شامل تعهدات یک‌جانبه و تعهدات دوجانبه را شامل تعهدات قبل از عقد، بعد از عقد و مستقل از عقد می‌دانند. همچنین گفته شده است شرط ابتدایی، الزامات و التزاماتی است که ضمن هیچ عقدی واقع نشده باشد، چه قبل از عقد و چه بعد از عقد و چه به‌طور مستقل؛ بنابراین تعهدات یک‌جانبه که با رعایت شرایط به‌وجود می‌آیند در شمار شرط ابتدایی قرار می‌گیرند.

در خصوص شرط ابتدایی و به تبع آن تعهدات یک‌جانبه نیز بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. بیشتر فقها از جمله شیخ انصاری آن را لازم‌الوفا نمی‌دانند (انصاری، ۱۴۱۵: ۵۶، میرزای قمی، ۱۴۱۳: ۲۸۵، خوئی، ۱۴۰۹: ۴۳). برخی نیز مانند نراقی شرط ابتدایی را لازم‌الوفا می‌دانند (نراقی، ۱۴۱۷، ۱۳۲). لیکن برخی از فقها هم آن را مورد پذیرش قرار داده و گفته‌اند هیچ مانعی وجود ندارد که شخص بتواند به اراده خویش چیزی را به دیگری تملیک یا تعهدی ایجاد نماید (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹: ۵۷۸) برخی دیگر نیز ضمن تأیید این قول گفته‌اند تعهد یک‌طرفه مجانی است و چون تعهدات بلاعوض نظیر عقود مجانی‌اند باید آنها را جایز شمرد (میرزای نائینی، ۱۳۵۸: ۱۳۹). البته منشأ اختلاف به این موضوع برمی‌گردد که نظریه توقیفی بودن عقود و قراردادهای توقیفی نبودن آنها را قبول داشته باشیم یا خیر. چنانچه برخی از فقها در این خصوص بیان داشته‌اند که عقود مشروعه فقط منحصر به عقود تعیین‌شده در کتب فقهی نیست و لزومی ندارد که اراده طرفین حتماً در این چارچوب متجلی گردد و در این صورت عقود مستحدثه که منطبق با هیچ‌یک از عقود معین نیست، مادامی که با شرایط عامه تعارض نداشته و دلیلی برخلاف آن نیامده باشد، مانند عقد بیمه یا قرارداد سرقتی با تمسک بر اطلاق و عمومات بر صحت آن حکم، طرفین آزادند این قراردادها را تحت هر عنوان که مایل‌اند منعقد سازند (حائری، ۱۳۸۱: ۲۷۱).



در میان حقوق‌دانان نیز در پذیرش یا عدم پذیرش تعهدات یک‌جانبه اختلافات شدیدی وجود دارد. اصولاً سه دیدگاه در این خصوص بیان شده است؛ برخی از استادان با تعهدات



ناشی از یک اراده مخالف بوده، معتقدند دارای مبنای صحیحی نیست (شهیدی، ۱۳۷۷: ۶۵)، برخی دیگر بر این باورند که از لحاظ نظری و منطقی تعهدات ناشی از یک اراده صحیح بوده، می‌تواند به‌عنوان منبعی استثنایی جهت ایجاد تعهدات در نظر گرفته شود، لیکن این منبع استثنایی نیاز به جواز قانونی دارد (کاتوزیان، ۱۳۶۵: ۶۲)، و گروهی دیگر نیز با استناد به اصل حاکمیت اراده و اقتضائات زندگی مدرن این دیدگاه را پذیرفته‌اند (لنگرودی، ۱۳۷۴: ۷۸۹).

مخالفان ایراداتی را نسبت به این نظریه طرح کرده‌اند؛ برای مثال گفته شده است کسی نمی‌تواند بدون رضای دیگری به وی تملیک کند و یا تعهدی را به نفع وی پدید آورد، لذا از آنجا که تعهد ناشی از شرط ابتدایی مستلزم تملیک یا ایجاد قول است، باطل شمرده می‌شود (امامی، ۱۳۷۱: ۳۵۳)، زیرا ایجاد تعهد مستلزم دخالت در دارایی طرف و ایجاد حق برای اوست (فلاح و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۵). حتی پذیرفتن همین مقدار ولایت در حقوق دیگران نیز احتیاج به دلیل دارد، چراکه گاه شخص قبول حق از دیگران را در خور شأن و یا به مصلحت خود نمی‌بیند (سام محمدی، ۱۳۸۸: ۲۰). در پاسخ به این ایرادات باید گفت، اینکه گفته شود یک طرف بدون قبول طرف مقابل نمی‌تواند برای خود ایجاد تعهد نماید، مصادره به مطلوب است، زیرا بحث در این است که بدون قصد متعهدله و به صرف قصد متعهد آیا تعهد به وجود می‌آید یا نه. به علاوه قصد یک طرف برای اثبات بعضی از تعهدات کفایت می‌کند، مانند جعاله (لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۲۳). افزون بر این، به عقیده برخی فقها هیچ مانع عقلی در پذیرش تملیک قهری وجود ندارد و وصیت تملیکی و وقف را از این مصادیق به‌شمار آورده‌اند (طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹: ۸۷۸). از سویی دیگر، طرف مقابل هیچ الزامی در پذیرش تعهد ایجادشده به نفع خود ندارد. مضافاً اینکه اگر ما این ایراد را بپذیریم، شرط به نفع ثالث نیز مشمول آن بوده، باید نادرست شمرده شود؛ حال آنکه قانونگذار در ماده (۱۹۶) قانون مدنی آن را مورد پذیرش قرار داده است.

در خصوص صحت و اعتبار ایقاعات نامعین که تعهدات یک‌جانبه نیز در شمار آن قرار می‌گیرد باید بررسی نماییم آیا اصل آزادی و حکومت اراده شامل ایقاعات نیز بوده است، و می‌توان به آن تسری داد یا خیر. در پاسخ باید گفت اصل آزادی قراردادهای در حقوق





ایران در ماده (۱۰) قانون مدنی بیان شده است که مقرر می‌دارد «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است». با توجه به کلمه «قرارداد» در متن این ماده، ممکن است گفته شود این ماده شامل تعهدات یک‌جانبه نمی‌شود، لیکن گفته شده «چون ملاک ماده (۱۰) احترام به اراده افراد است لذا ملاک آن شامل ایقاعات هم می‌گردد» (لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۲۳). البته برخی استادان بر این باورند که در ایقاع آن آزادی گسترده برای حکومت اراده وجود ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۷۳)؛ بنابراین آزادی اراده در ایقاع را نپذیرفته‌اند، لیکن در نظری معارض، تعهد به پذیره‌نویسی را با آنکه ایقاعی است که در شمار ایقاعات معین محسوب نمی‌شود، مورد پذیرش قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد هدف از وضع ماده ۱۰ قانون مدنی از سوی قانون‌گذار، توجه به اصل آزادی و حاکمیت اراده است تا افراد جامعه در نحوه الزام و التزام به عقود معین مقید نباشند. از سویی دیگر، معاملات در اسلام امضایی می‌باشد نه تأسیسی؛ یعنی شارع تمامی معاملاتی را که افراد جامعه عقلاً برای رفع احتیاجات خود منعقد می‌سازند، تأیید کرده، به جز آنچه که به صراحت منع شده است؛ لذا می‌توان گفت: «به موجب این اصل تعهد یک‌طرفی لازم و خالی از اشکال است» (لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۳۴). از این رو، اگر در هر زمان و مکانی مردم با عبور از حصار و قیود گذشته و با تکیه بر تعهدات یک‌جانبه، مثل شرط ابتدایی، روابط حقوقی خویش را تنظیم کنند باید محترم شمرده شود، چراکه دلیلی بر عدم اعتبار آن نبوده، برعکس ادله فراوانی بر امضای چنین اعمالی وجود دارد، مگر آنکه مشمول ادله عمومی ناظر بر منع باشد، نظیر منع ربا و منع عدوان و منع تعاون بر اثم که بر سایر ادله حکومت دارند (دارائی، ۱۳۹۳: ۱۴۰).

بنابر آنچه پیش‌تر بیان شد، باید گفت با توجه به ملاک ماده (۱۰) قانون مدنی به بحث احترام به اراده افراد و اصل حاکمیت اراده اشاره می‌کند، و اینکه این اصل در کلیه روابط حقوقی قابل تسری است. افزون بر آن، با عنایت به تضعیف روزافزون نظریه حصری بودن عقود و ایقاعات و خصوصاً با توجه به گسترش روابط اجتماعی و نیاز جوامع به حل مسائل و مشکلات مستحدثه، می‌توان بیان داشت تعهدات ناشی از اراده یک‌جانبه در حقوق ایران قابل پذیرش بوده، البته ذکر این نکته ضروریست که همواره عقد به عنوان منبع اصلی ایجاد





تعهدات در نظر گرفته می‌شود، لیکن این به آن معنا نیست که عقد منبع انحصاری ایجاد تعهدات است، بلکه تعهدات یک‌جانبه نیز می‌تواند به عنوان یکی از منابع ایجاد تعهدات در نظر گرفته شود و قانون هیچ منعی در این خصوص ندارد. هرچند نکوست قانون‌گذار ایران به پیروی از نظام‌های حقوقی پیشتاز، این نظریه نوین را صراحتاً به نظم حقوقی درآورده، به این ترتیب، به توسعه و گسترش آن در روابط حقوقی و رویه قضایی یاری نماید.

نتیجه گیری

نقش خلاق اراده در ایجاد تعهدات غیرقابل انکار است. ایده اراده خلاق که مولد ایجاد تعهد باشد و بتوان آن را به عنوان منبعی مستقل از سایر منابع ایجاد تعهد در نظر گرفت، همواره در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه موضوع بحث بوده و اختلاف دیدگاه‌های فراوانی در این خصوص وجود داشته است. در نظام حقوقی فرانسه طرف‌داران نظریه ی کلاسیک همواره موضعی بسته و انتقادی نسبت به این نظریه متری داشته و ایراداتی را طرح نموده‌اند که همواره پاسخ آن از سوی طرف‌داران اراده یک‌جانبه خلاق ارائه گردید. در این زمینه قانون مدنی فرانسه در اصلاحات اخیر خود به این اختلافات پایان داده و مفهوم اراده یک‌جانبه را به طور صریح در متون حقوقی آورده و تأکید کرده است که چنین اراده‌ای توانایی ایجاد تعهدات مدنی را دارد. در ماده (۱-۱۱۰۰) بیان شده که اعمال حقوقی آن دسته از اعلام‌های ارادی است که به منظور ایجاد آثار حقوقی به وجود می‌آید و می‌تواند به نحو قراردادی و یا یک‌جانبه باشد. در این ماده قانونی ابهامات برطرف می‌شود و ماهیت وجودی ارزش حقوقی آن مورد پذیرش قانون‌گذار قرار می‌گیرد، لیکن نظام حقوقی کشور ما هنوز در صدد رفع این مشکل برنیامده است. منشأ اختلافات در فقه به نظریه توقیفی و حصری بودن عقود برمی‌گردد که طرف‌داران این نظریه از مخالفان سرسخت اراده خلاق محسوب می‌شوند. در میان حقوق‌دانان نیز اختلاف اساسی بر سر امکان یا عدم امکان اجرای اصل آزادی اراده در ایقاعات است. به هر حال، واضح است که با توجه به محدود بودن روابط افراد در گذشته، اصولاً عقود و تعهدات به شکل کنونی





بین مردم رواج نداشته است، لیکن با پیشرفت جوامع و گسترش روابط اقتصادی و تجاری و تعاملات میان مردم و لزوم حل مسائل و مشکلات جدید، گرایش جوامع به اصل آزادی اراده و در پرتو آن شکل‌گیری عقود و تعهدات نوین بیشتر گردید و در واقع، توجه برخی از مسائل حقوقی به غیر از پذیرش تعهد یک‌طرفه امکان‌پذیر نیست و نیازها و اقتضائات روز زندگی اجتماعی گرایش به سوی این نظریه را بیشتر کرده است تا آنجا که عدم مشروعیت و جواز آن مستلزم حرج افراد در معاملات تجاری و تبادلات اقتصادی خواهد بود. بنابراین، صرف‌نظر از مصادیق فراوانی که در نظام حقوقی کشور ما وجود دارد، به نظر می‌رسد قانون‌گذار باید به شیوه نظام حقوقی کشور فرانسه نسبت به اصلاح قوانین مطابق با نیازهای روز اقدام، و از این طریق مشکلات نوین حقوقی را مرتفع و رویه واحدی را در نظام حقوقی کشور حاکم نماید.

منابع:

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم، ۱۴۰۹ ق، کفایه الاصول، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، چ ۱.
۲. ابن منظور، لسان‌العرب، ۱۴۰۴ ق، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۳. امامی، سید حسن، ۱۳۷۷ ش، حقوق مدنی، تهران، نشر حقوقدان، چ ۷.
۴. امیری قائم‌مقامی، عبدالمجید، ۱۳۸۵ ش، حقوق تعهدات، تهران، نشر میزان، چ ۲.
۵. انصاری، مرتضی بن محمد، ۱۴۱۵ ق، المکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چ ۱، ج ۱.
۶. بحرانی، یوسف بن احمد، ۱۴۰۵ ق، حدائق الناظره، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ج ۲۲.
۷. بهرامی احمدی، حمید، ۱۳۸۸ ش، قواعد فقه، تهران، دانشگاه امام صادق.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۶۹ ش، تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران، گنج دانش.
۹. حائری، سید کاظم، ۱۳۸۱ ق، فقه العقود، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چ ۱، ج ۱.





۱۰. حسینی مراغه‌ای، میرفتاح، ۱۴۱۷ ق، العناوین، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ج ۱، ج ۱.
۱۱. خوئی، ابوالقاسم موسوی، ۱۴۰۹ ق، مبانی العروه الوثقی، قم، منشورات مدرسه دارالعلم.
۱۲. دارائی، محمدهادی، ۱۳۹۳ ش، ایجاب، منبع یک جانبه التزام، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۶۸.
۱۳. سبحانی، جعفر، ۱۴۱۹ ق، المحصول فی العلم الاصول، قم، مؤسسه الامام الصادق، ج ۲.
۱۴. سنه‌وری، عبدالرزاق، ۱۹۵۲ م، الوسیط فی شرح القانون المدنی، قاهره، داراحیاء التراث العربی، ج ۱.
۱۵. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، ۱۴۰۹ ق، عروه الوثقی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۲، ج ۱.
۱۶. فلاح، محمدرضا، جمشیدی، یوسف، دهقانی، ایمان، ۱۳۹۲ ش، نقش اعلان اراده در انشاء ایقاعات، آموزه های فقه مدنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۷.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۱ ش، حقوق مدنی، ایقاع، تهران، نشر میزان.
۱۸. گیلانی قمی، ابوالقاسم بن محمد، ۱۴۱۳ ق، جامع الشتات فی اجوبه سؤالات، تهران، مؤسسه کیهان.
۱۹. محقق داماد، مصطفی، ۱۳۸۶ ش، نظریه عمومی شروط و التزامات، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ج ۳.
۲۰. محمدی، سام، ۱۳۸۸ ش، ماهیت حقوقی تعهد به نفع ثالث، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، ش ۱.
۲۱. میرزا نائینی، ۱۳۵۸ ق، منیه الطالب فی حاشیه المکاسب، نجف، مطبعه المرتضویه.
۲۲. نجفی، محمدحسن، ۱۹۸۱ م، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ج ۷، ج ۲۲.
۲۳. نراقی، احمد بن محمد مهدی، ۱۴۱۷ ق، عوائد الایام فی البیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.





24. Atias christian, (2003), 'L'irrévocabilité Relative de l'acte Unilatéral', D. 2013.
25. Carbonnier, Jean, (1998), Droit civil. 4, Les obligations, Paris, Presses universitaires de France.
26. Chabas, Jean, (1931), 'De la Déclaration de volonté en droit civil français, Paris, Librairie du Recueil Sirey.
27. chantepie, Gael et Latina, Mathias, (2018), Commentaire théorique et pratique de la réforme du droit des obligations, Paris, Dalloz Librairie.
28. Dreifuss-Netter, Frédérique, (1985), Les manifestations de volonté additives, Paris, Librairie générale de droit et de jurisprudence.
29. Elias Randolphe, (1909), Théorie de La Force Obligatoire de La Volonté Unilatérale Étude et Critique, Université de Paris. Faculté de droit.
30. Flour, Jacques, (1955), La Notion de l'obligation Naturelle et Son Rôle En Droit Civil', In Travaux Association H. Capitant, T. 7.
31. Flour, Jacques, Aubert, Jean-Luc et Savaux, Éric, (2009), Les obligations : quasi-contrats, responsabilité délictuelle, Sirey université, 13e édition, Paris, Sirey Dalloz.
32. Ghestin Jacques, Loiseau, Grégoire et Serinet, Yves-Marie, (2013), La formation du contrat : le contrat, le consentement, 4e édition, Paris, L.G.D.J.
33. Ghestin, Jacques et Goubeaux, Gilles, (1990), Traité de droit civil, 3e édition, Paris: LGDJ.
34. Gobert, Michelle, (1957), Essai sur le rôle de l'obligation naturelle, Paris, Sirey.
35. Goldberg, Jean, (1913), Essai d'une Théorie de l'engagement Unilatéral Dans Le Code Civil Allemand, thèse Nancy.
36. Martin de la Moutte, Jacques et Raynaud, Pierre, (1951), L'acte juridique unilatéral : essai sur sa notion et sa technique en droit civil, Paris, Recueil Sirey.
37. Marty Gabriel, et Raynaud, Pierre, (1988), Droit Civil, Paris, sirey.
38. Mathieu-Izorche Marie-Laure, et Mestre, Jacques, (1995), L'avènement de l'engagement unilatéral en droit privé contemporain, 1 vols, Aix-en-Provence : Presses universitaires d'Aix-Marseille.
39. Malaurie, Philippe, (2012), Les successions, les libéralités, Droit civil, 5e édition, Paris : Defrénois.
40. Pothier, Robert- Joseph, (1777), Traité des obligations selon les regles, tant du for de la conscience que du for extérieur, Nouvelle édition, Paris, Rouzeau-Montaut.

41. Rebourg, Muriel, (2001), 'La Preuve de l'engagement Par Volonté Unilatérale, RRJ.
42. Rieg, Alfred, (1958), Le rôle de la volonté dans l'acte juridique en droit civil français et allemand' (unpublished Thèse, Université de Strasbourg, Faculté de droit et des sciences politiques.
43. Terré, François et Weill, Alex, (1986), Droit civil: les obligations, Paris, Dalloz.
44. Liliana Todorova, (2007), L'engagement en droit: l'individualisation et le Code civil au XXIème siècle.

